

## در حاشیه دیدار با استاد شفیعی کدکنی



احمدغلامی

وقتی پای عشق در میان است، حقیقت و ناحقیقت، درستی و نادرستی، معنای دیگری می‌یابند. انسان‌های اندکی بوده‌اند که در زمان جغرافیایی ایران که تاریخ را می‌سازد، چنان زیسته و اندیشیده‌اند که اینک جز آنکه آنان را گنجینه و سرمایه ملی ایران بدانیم، کار دیگری نتوانیم کرد. مگر شاهرخ مسکوب از این دست گنجینه‌های ملی نبود یا شفیعی‌کدکنی، و مگر رضا براهنی چنین نبود که گلشیری یا صادق هدایت. همچنین داریوش شایگان و سیدجواد طباطبایی و چند نفر دیگر. پای این‌چهره‌ها که به میان می‌آید، هرکس به فراخور نگرش و دانش خود درباره آنان سخن می‌راند و به قضاوت می‌نشیند. برخی چنان سراپا شور و عشق و شیفنگی‌اند که کسی جز خود و معشوق را نمی‌بینند، اما عشق رهایی است، نه مالکیت و انحصار، و ازاین‌رو است که پای عشق در بند نمی‌ماند و گریزپای است، که می‌گریزد از بر ما، بدون رخصت ما. عشق نه صغیر است و نه حقیر، در بند هیچ‌کس نمی‌ماند، خواسته یا ناخواسته می‌گریزد. این‌گونه است که عاشقان برای تسلی خود می‌کوشند معشوق را از راه رفته پشیمان سازند. این عاشقان در بند زمان‌اند، تا معشوق هست آنان معنا می‌یابند. مگر نه آنکه بسیار بودند شاگردان و مریدان گلشیری و براهنی که نمی‌گذاشتند کسی دست به ردای‌شان بساید. اینک کجایند آن مریدان، عاشقان و شیفتگان آن مردان بزرگ! دریغ از یادی در ایام سالمرگ‌شان، بگذریم از تحلیل آثار و زنده نگه‌داشتن میراث ادبی آنان و نگاهی انتقادی به آثارشان. حتی در مرگ برخی از این روشنفکران معاصر مانند براهنی، خیل مشتاقان در برابر دشنام‌ها و تهمت‌هایی که به‌ناروا نثار آنان شد، خاموش ماندند و دم فرو بستند. اما آیا می‌شود عشق این‌خیل عاشقان را منکر شد؟ هرگز! تا بوده چنین بوده و چنین خواهد ماند. آنان تا معشوق در حیات است، چه‌بسا به فرمان عشق، هر درستی را نادرست و هر نادرستی را درست جلوه خواهند داد. چنین که پیداست، این‌گونه عشق مرز حقیقت و ناحقیقت را مخدوش می‌سازد، پس خام‌اندیشی است که به جنک این عاشقان رفت و ناگزیر باید در برابر این مریدان صبر و سکوت پیشه کرد. آن که این‌گونه سکوت می‌کند، فریاد می‌زند،

فریادهایی بی‌صد! از کزکاری‌های روزگار. گنجینه‌های ملی و فرهنگی متعلق به همه ایران و هویت ایران هستند، نه هویت مریدان. کبرم چند صبحایی چنین باشد و بشود، اما با گذر زمان و در غیاب معشوق آنچه می‌ماند، اندیشه و خرد است که اگر باشد، این شور و شیفتگی عاشقانه زنده می‌ماند، وگرنه باید به دنبال پدر دیگری شتافت و ارباب دیگری جست. اینجاست که باید سکوت کرد، زیرا که با داور و قضاوت نمی‌توان مرز حقیقت و ناحقیقت را آشکار کرد. تجربه ما از کار و کردار مریدان چهره‌هایی مانند سیدجواد طباطبایی، داریوش شایگان، هوشنگ گلشیری و رضا براهنی، دست‌کم تا اینجا کار، خلاف عرف وفاداری را نشان داده است، زیرا که عاشقان در غیاب معشوقان خود، آنان را وانهاده‌اند. اگرچه همواره این‌گونه نبوده است و برخی افراد با باور به گران‌سنگ بودن این چهره‌ها، زندگی خود را بدون هیچ چشمداشت یا سودای هویت و شهرتی، وقف کار و اندیشه آنان کرده‌اند. واسطه دیدار ما با استاد محمدرضا شفیعی‌کدکنی یکی از همین افراد است. او از آغاز تا انجام دیدار بدون هیچ چشمداشتی و حس تملکی، دیدار ما با استاد و انتشار آن را با گشاده‌رویی به سرانجام رساند. ازاین‌رو سکوت ما در برابر واکنش‌ها به کانال منتسب به دکتر شفیعی‌کدکنی در این‌صددت، به احترام استاد و ایشان صورت گرفته است. باری بگذریم. اینها همه بهانه است، هم برای ما و هم برای آنها. البته اگر در عرصه عشق به فرهنگ این زادبوم مشترک باشیم. ما همه یکی هستیم، چون در این سرزمین و در کنار این بزرگان زیسته‌ایم. پس ما هم رسم اخلاق و امانت‌داری را می‌دانیم. اما گاه باید سکوت کرد و فرصت داد زمان بگذرد تا رسم عاشقی به سرانجام برسد. زمان ترفندهای بسیاری در آستین دارد. معلوم نیست ما فردا کجا ایستاده‌ایم و آنها کجا. هرچه از روزگار نیاموخته باشیم، این را خوب یاد گرفته‌ایم که در این سرزمین، باخته و برنده‌ای وجود ندارد. پس رسم عاشقی را به جای آوریم. فقط این نکته را سر بسته بنویسم و بگذرم که روزنامه «شرق» در این دیدار و شرح دیدار هیچ رفتار غیرحرفه‌ای و غیراخلاقی انجام نداده است باقی بماند به وقتش.

شنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۴
۶ شوال ۱۴۴۶
۵ آوریل ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۷۸
<b>۳۰ هزار تومان</b>
۱۲ صفحه

# روزنامه

**«شرق» از ماجرای اختلاف‌ها در بالادست و پایین دست حوضه آبی زاینده‌رود و نگاه کارشناسان به این ماجرا گزارش می‌دهد**

# جدال آب

مریم شکرانی: اعتراضات آب در بالادست و پایین‌دست زاینده‌رود ماجرای تازه نیست؛ بارها کشاورزان و مردم سه استان چهارمحال‌وبختیاری، اصفهان و یزد رودرروی هم ایستاده و سر حقایبه مجادله کرده‌اند. گاهی این مجادلات به جای باریک کشیده و برخی نسبت به بروز تعارضات جدی آب هشدار داده‌اند. هرچند روایات مردم هر استان از ماجرا متفاوت است، اما کارشناسان معتقدند عامل اصلی این مجادلات، حکمرانی نادرست

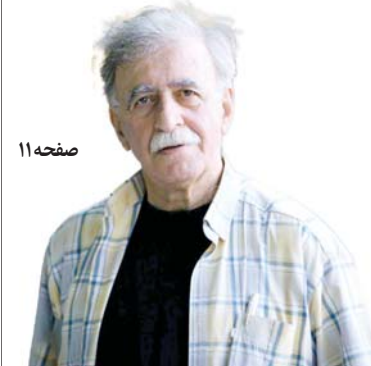
گزارش تیریک را در صفحه ۴ بخوانید



**مجید جلالی در گفت‌وگو با «شرق»:**
**با وضعیت معیشتی و اجتماعی، فوتبال دغدغه مردم نیست**

صفحه ۹

**همایون اسعدیان در گفت‌وگو با «شرق»:**
**نبض سینما با شرایط سیاسی و اجتماعی هماهنگ است**



صفحه ۱۱

### یادداشت

## ایران و آمریکا؛ دیپلماسی در آینه تاریخ و آزمون آینده



مینوخالقی

دو کشور بود. توافق الجزایر که در ۱۳۵۹ برای آزادی کارمندان آمریکایی سفارت امضا شد، در نگاه اول یک راه‌حل دیپلماتیک بود، اما واقعیت این است که آمریکا هرگز به تمام مفاد آن پایبند نماند؛ به‌ویژه درباره رفع انسداد دارایی‌های ایران که همچنان بخش عمده‌ای از آن بلوکه باقی مانده است. در دهه ۱۹۸۰، ماجرای مک‌فالین -تلاشی از سوی دولت ریگان برای برقراری روابط پنهانی با ایران- به شکست انجامید و بی‌اعتمادی را عمیق‌تر کرد. اما مهم‌ترین آزمون دیپلماسی ایران در این دوره، قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت در ۱۳۶۶ بود که سرانجام در ۱۳۶۷ پذیرفته شد و به جنگ ایران و عراق پایان داد. این رویداد نشان داد ایران، حتی در سخت‌ترین شرایط نیز ظرفیت تصمیم‌گیری دیپلماتیک را دارد. اما ایالات متحده که در طول جنگ از عراق حمایت می‌کرد، نقشی بی‌طرف ایفا نکرد. در دهه ۱۹۹۰، تلاش‌هایی برای عادی‌سازی روابط صورت گرفت. در دوره کلینتون، رایزنی‌هایی برای ایجاد

### یادداشت

## چون دوست دشمن است، شکایت کجا بریم؟



مهرداداحمدی‌شیخانی

تا جایی که پادم می‌آید، ایام تعطیلات نوروزی که اسما پنج روز است ولی رسماً حداقل ۲۰ تا ۲۵ روز و گاهی تا یک ماه هم می‌رسد، برای ما اهالی رسانه، غالباً ایام بی‌خبری است یا چه بشود که حالا یکی دو خبر در این ایام اتفاق بیفتد یا نیفتد که قابل توجه باشد یا نباشد. حتی سال گذشته که سال عجیب و غریبی بود و برای کشور متلاطمی چون کشور ما هم سال پرخبری به حساب می‌آمد، ایام نوروزش تقریباً مثل سال‌های پیش از آن و معمولی بود، ولی اسمال از همان آغازش انگار با همه سال‌ها فرق می‌کند و خدا به خیر بگذراند که چگونه به پایان خواهد رسید و آن‌قدر پرخبر و پر اتفاق بود این ایام تعطیلات نوروزی که هر بار و هر روز با خود می‌گفتم این موضوع را برای اولین یادداشت سال جدید منظور کنم و فرادیش خبری دیگر می‌آمد و می‌گفتم این یکی را به‌عنوان مطلب پردازم. خلاصه آن‌قدر موضوعات در همین ۲۰ روز رخ داد که می‌توان برای نیمی از سال برای آن مطلب نوشت. یکی که حتما باید به آن پرداخت ماجرای جشن‌های نوروزی است که اسمال، هم در بین مردم با جدیت بیشتری برگزار شد و هم در تقابل با آن رفتارها و کنش‌های بحث‌برانگیزی مانند اینکه باید مقبره خیام تخریب شود، واکنش‌های گسترده‌ای را موجب شد، موضوعی که به گمانم ضرورت دارد تا حتماً به آن پرداخته شود. دیگری ماجرای برخورد با متحصنین خواستار ابلاغ «قانون حجاب و عفاف» در جلوی مجلس که بالاخره ساختار کشور تصمیم گرفت با این جماعت همیشه طلبکار برخورد قانونی کند و این عده قبیل که صدایی بلند دارند را شبانه متفرق کند و البته فریاد و «جیغ و داد»‌شان به سیاق همان هفته‌نامه ابتدای انقلاب با همین بار بسیار بلند بود و به‌قول یکی از بزرگان رسانه، حالا که می‌بینند دوره‌شان تمام شده، چک‌هایشان را آورده‌اند که نقد و طلبشان را وصول کنند. اما یک خبر دیگر هم بود و آن، سفر معاون پارلمانی دولت که گفتند از طریق آرزائین و با کشتی برای دیدار پنگون‌ها به قطب جنوب رفته و بعد روابط عمومی دفتزش تکذیب کرد که خیر نرفته و خلاصه ماجرابی شد و سکوت جناب پرنشکبان و شائبه مرجع دانستن رفاقت بر مطالبه افکار عمومی و باقی داستان. و اما مهم‌ترین موضوع، تهدیدات ترامپ بود و گسیل ناوگان دریایی و هوایی ایالات متحده به منطقه و واکنش‌ها در داخل کشور و سکوت و عدم موضع رئیس‌جمهور و بعد «بیانیه‌ای از جامعه مدنی ایران در واکنش به تهدیدات دولت آمریکا، خطاب به آقای آنتونیو گوتروش دبیرکل محترم سازمان ملل متحده» و امید که واکنش اثرگذار جامعه جهانی را در پی داشته باشد. اما درست در میانه همین تهدیدات اتفاق دیگری هم افتاد که به

# شرق

رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز عید سعید فطر:

رژیم صهیونی، تنها نیروی نیابتی در منطقه و تلاش برای ریشه‌کنی آن، یک وظیفه است

۲ —>

### برگزیده‌ها

آمار پلیس نشان می‌دهد روزانه حدود ۴۰ نفر در تصادفات جاده‌ای کشته و ۹۱۲ نفر مصدوم شدند

### جاده‌هایی که فلج می‌کنند

گزارش «شرق» از تأثیر تصادفات بر افزایش تعداد افراد دارای معلولیت و دست و پاهایی که در جاده‌ها جا می‌ماند

۱۰ —>

ایدئولوژی به‌مثابه رویکردی فلسفی

### در ستایش ایدئولوژی

۶ —>

واکنش یکن به اقدام واشنگتن؛ جنک تعرفه‌ای بالا گرفت

### پایان جهانی شدن؟

۵ —>

بیانیه جامعه مدنی ایران در دفاع از صلح و استقلال کشور

### هرگونه تجاوز به ایران تعرض به ملت است

۱۰ —>

«شرق» هفت خان تحولات آزمون سراسری در سال‌های اخیر و تأثیر آن بر دانش‌آموزان را بررسی کرد

### کابوس کنکور

۸ —>

### از بازداشت شبانه تا لغو کنسرت

۱۲ —>

### یادداشت

### تهدید اتمی!



سیدصادق حقیقت

علی لاریجانی، مشاور رهبری، برای نخستین بار در عمر ۴۶ساله جمهوری اسلامی ایران، در فروردین ۱۴۰۴ آمریکا را تهدید تلویحی اتمی کرد: «حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران به سود آمریکایی‌ها نیست؛ در این صورت، مجبور می‌شویم به سمت دیگری حرکت کنیم و داشتن سلاح هسته‌ای توجیه ثانویه پیدا می‌کند». البته، قبلاً علوی، وزیر سابق اطلاعات در دولت روحانی، گفته بود اگر گریبه در کنار اتاق گرفتار شود، هر کاری ممکن است انجام دهد. هرچند دولت وقت سخن وی را تأیید نکرد و اعلام کرد نظر شخصی وی بوده است! رفیق‌دوست نیز اخیراً به این مسئله اشاره کرده که در جنک تحمیلی، امام خمینی ساخت سلاح‌های اتمی را اجازه ندادند، ولی با ساخت و استفاده از سلاح‌های میکروبی و شیمیایی مشکلی نداشتند. به هر روی، در خصوص این رویداد مهم، نکات ذیل می‌تواند مدنظر قرار گیرد:

۱- ایران در شرایط مذاکره به‌طور طبیعی چاره‌ای جز بازی با کارت‌های جدید ندارد؛ احتمالاً حدود ۲۶۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده بالاتر از ۶۰ درصد، معادل شش بمب اتم.
۲- لاریجانی در توجیه فتوای اتمی چنین مدعی شده است: «فتوای رهبری نداشتن سلاح هسته‌ای است. اگر خطایی از آمریکا صورت بگیرد، ایران با فشار مردم مجبور می‌شود به سمت ساخت سلاح هسته‌ای برود». معنای این سخن آن است که در سطح رهبری، مسئله تغییر نکرده و اینک فشار مردم موجب تغییر سیاست فوق‌شده است.

<b>نوبت‌اول</b>	<b>سازمان حقوقی سای</b> SAIEN PROTECTION ORGANIZATION
<b>«آگهی عرضه سهام ترجیحی»</b>	
<b>شناسه آگهی</b> ۱۸۹۶۸۰۹	<b>رجوع به صفحه داخلی</b>
<b>م الف</b> ۴۳۶۷	

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: AFP

«شرق» از فضای مبهم روابط ایران با آمریکاگزارش می‌دهد

# تهران و واشنگتن در آستانه تصمیم بزرگ

<b>نوبت‌اول</b>	<b>سازمان حقوقی سای</b> SAIEN PROTECTION ORGANIZATION
<b>«آگهی عرضه سهام ترجیحی»</b>	
<b>شناسه آگهی</b> ۱۸۹۶۸۰۹	<b>رجوع به صفحه داخلی</b>
<b>م الف</b> ۴۳۶۷	